

بانوی حاضر در نقش برجسته نرسی

آناهیتاست یاشاپور دختک؟

سید رسول موسوی حاجی

عضو هیأت علمی گروه باستان شناسی دانشگاه س و ب

چکیده

در میان پادشاهان متعدد دوره ساسانی، نرسی (۲۹۳-۲۳۰۲) تنها پادشاهی است که از او نقش برجسته بسیار مهم و جالب توجه‌ای در محل نقش رستم فارس به یادگار مانده است که در آن مراسم اعطای حلقه سلطنتی از جانب آناهیتا (الهه حاصلخیزی، باروری و ربه‌النوع پاسدار آب) به نمایش در آمده است. این در حالی است که در سایر نقوش برجسته این دوره، حلقه سلطنتی که از دیدگاه پادشاهان ساسانی نماد نمایندگی خدا بر روی زمین است، از سوی خدای بزرگ "اهورامزدا" تفویض می‌شود.

درباره هویت واقعی و محتوی تاریخی این نقش برجسته تاکنون تعبیر و تفاسیر متعددی شده است لیکن انتساب بانوی حاضر در این نقش برجسته به "شاپور دختک دوم" همسر نرسی - آخرین و پربحث‌ترین نظریه‌ای است که از سوی دکتر علیرضا شاپور شهبازی که چندین سال سرپرستی حفاریات و مطالعات باستان‌شناسی تخت جمشید را بر عهده داشت، در یک نشریه آلمانی مطرح شده و به چاپ رسیده است.

این انتساب در حقیقت بهانه‌ای است که نگارنده این سطور را بر آن داشت تا ضمن برشمردن عقاید و نظرات محققین مختلف پیرامون نقش برجسته مورد بحث، به نقد و بررسی هر یک از آنها پرداخته و با ارائه دلایل مستند و کاملاً باستان‌شناسانه از صحت و صدق انتساب بانوی مذکور به الهه آب "آناهیتا" و سقم تمامی فرضیات دیگر، دفاع نماید.

مقدمه

نویسنده مقاله "مطالعه در هنر پیکرتراشی ساسانی: نقش برجسته نرسی در نقش رستم فارس"^(۱) سعی کرده است تا هویت بانوی حاضر در این نقش برجسته را به همسر پادشاه مذکور یعنی "شاپور دختک دوم"^(۲) نسبت دهد. حال آنکه اغلب محققین و خاورشناسان معاصر عقیده دارند که او، "الهه آب" آناهیتاست که در حال اعطای نشان سلطنتی به شاهنشاه نرسی است.

مطالب مقاله مذکور بطور کلی از سه قسمت به شرح زیر تشکیل شده است: در قسمت اول، صحنه‌های موجود در نقش برجسته اجمالاً توصیف و به موقعیت جغرافیایی و ابعاد هندسی آن نیز اشاره شده است.^(۳)

در قسمت دوم، نویسنده مقاله ضمن برشمردن عقاید و نظرات محققین مختلف پیرامون نقش برجسته مورد بحث از جمله: ر. کرپرتر*؛ ج. سی. رالیسنس*؛ "ج. تکسیر"***؛ "ف. زاره"****؛ ا.د. مورتمن*****؛ "ف. جوستی"***** و "ج.ن. کرزن"***** به نقد و بررسی هر یک از آنها پرداخته و تقریباً بر نظریه همه آنها خط بطلان می‌کشد.^(۴)

در قسمت سوم نیز به نظر شخصی خود پرداخته و اظهار می‌دارد که بانوی حاضر در این نقش برجسته همسر نرسی "شاپور دختک دوم" است نه ایزد بزرگ

*(R.kerporter)

***CH.Texier

****F. Sarre

*****F.Justi

**G.C.Rawlinson

*****A.D.Mordtman

*****G.C.Rawlinson

(۵) آناهیتا.

در مقاله حاضر، نگارنده این سطور ضمن تبعیت از نظریه محققین و خاورشناسانی که عقیده دارند بانوی این نقش آناهیتاست، سعی دارد تا نظریه مطرح شده در مقاله مورد بحث را به طور مستدل و مستند، نقد و رد نماید. لیکن قبل از آن لازم می‌داند تا برای آگاهی و آشنایی بیشتر، توضیح مختصری از این نقش برجسته و صحنه‌های موجود در آن ارائه دهد.

مجلس تاج ستانی نرسی در نقش رستم فارس:

تنها نقش برجسته ساسانی که یک موضوع مذهبی با صحنه اهداء حلقه سلطنتی از جانب آناهیتا به شاهنشاه ساسانی را نمایش می‌دهد؛ در سمت راست آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم فارس حجاری شده است. طول این نقش ۵/۷۰ متر و پهنای آن ۳/۷۰ متر می‌باشد. (۶) (شکل ۱)

شاهنشاه نرسی که او را به استناد تاجی که بر سر دارد، خوب می‌شناسیم در مرکز صحنه حک گردید. دارای سبیل تابیده و ریش بلندی است که نوک آن در میان حلقه‌ای فرو رفته و موهای انبوهی بر سر دارد که در طرفین سر و گردن ریخته است. شکل بدن او به حالت تمام رخ و از روبرو نشان داده شد در حالیکه سر به طرف آناهیتا که در مقابل او قرار دارد، برگشته و به صورت نیم رخ حجاری شده است. او دست راست خود را به منظور گرفتن حلقه سلطنتی که از جانب آناهیتا به وی تفویض می‌شود، دراز کرده و با دست چپ قبضه شمشیری را که به طور حمایل در پهلوئی چپش آویخته، نگه می‌دارد. شاه گردن‌بندی بر گردن، گوشواره‌ای در گوش و نیم تنه تنگی دربر دارد که چین‌های آن تا بالای زانو می‌رسد. بر روی نیم تنه شنلی دارد که دو سر آن به وسیله دو دکمه در جلوی سینه به هم الحاق شده و دنباله آن به صورت یک پارچه پهن با چین‌های فشرده در پشت بدن نشان داده شده است. شلوار چین‌دار و گشاد او در نهایت استادی حجاری شده و کفش بند داری هم به پا دارد که برگه‌های موج آن بر روی زمین پخش شده‌اند. تاجی که شاه در این نقش بر سر دارد به شکل تاجکهای شیاردار است که گوی بزرگی بر بالای آن نصب شده است. این تاج عیناً به شکل تاجی است که بر سکه‌های نوع ۱ از سکه‌های

نرسی^(۷) ضرب شده است (شکل ۱ با جدول ۱ مقایسه شود).

در مقابل شاه، "الهه آب" آناهیتا با قامتی مناسب و اندامی موقر نقش شده است. او تاج کنگره دار سر گشاده‌ای بر سر دارد که حلقه‌های مجعد موی از فراز آن پدیدار است. گیسوان بافته او بر گردن و شانه‌هایش فرو ریخته و همانند شاه گردنبندی بر گردن و گوشواره‌ای در گوش دارد و در حالت ایستاده در حال اعطای حلقه سلطنتی به شاه است. بین شاه و الهه کودکی دیده می‌شود که مانند شاه لباس شاهی به تن دارد. پشت سر شاه نیز دو نفر از نزدیکان و درباریان ایستاده‌اند که تصویر نفر دوم به مرور زمان آسیب دیده و جزئیات آن کاملاً از بین رفته است اما نفر اول کلاه بلندی به شکل سر اسب دارد و به حالت احترام دست خود را مقابل صورت نگه داشته است. لباسی که بر تن دارد با مختصر اختلافی نظیر لباس شاه است اما به جای گردن‌بند مروارید طوقی که احتمالاً از طلاست برگردن دارد.

و.گ. لوکونین* با توجه به کلاهی که نامبرده بر سر دارد، او را "هرمزد دوم" فرزند و جانشین نرسی معرفی می‌کند.^(۸) این انتساب به احتمال قوی درست است زیرا: ۱- کلاه مزبور یکی از علائم و نشانه‌های جانشینی شاه در دوران ساسانی بوده و نمونه بارز آن نیز در نقش رستم در نقش برجسته‌ای که متعلق به بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م) است، مشاهده می‌شود (شکل ۲). در این نقش برجسته بهرام سوم به عنوان فرزند و جانشین شاه با همین کلاه تصویر شده است. علاوه بر آن بر رویه سکه‌های نوع IVc-IVd-VIIa-VIIb از سکه‌های بهرام دوم،^(۹) جانشین شاه با همین کلاه ظاهر شده است (شکل ۱ با جدول ۲ مقایسه شود).

۲- طرح کلی این نقش برجسته همانند نقش تاج ستانی اردشیر در نقش رجب فارس است (شکل ۳). موضوع هر دو نقش برجسته تاجگذاری است و در هر دو نقش برجسته بین شاه و ایزد کودکی که لباس شاهی به تن دارد، تصویر شده است. در هر دو نقش برجسته پشت سر شاه شخصی ایستاده که دست راست خود را به علامت احترام بالا گرفته است. این شخص در مجلس تاج ستانی اردشیر در نقش رجب شاپور اول

۲۴۴-۲۷۲ م) است که در آن زمان مقام جانشینی و ولایتعهدی داشته است. از اینرو منطقی است که شخص مورد نظر در این نقش برجسته را از حیث مقام و منزلت همتای شاپور در نقش رجب بدانیم.

۳- مشابهت پوشاک شخص مورد نظر با پوشاک شاه، حکایت از جایگاه رفیع او در خاندان سلطنتی دارد. بدیهی است تنها ولیعهد و جانشین آینده شاه می‌توانست از حیث هیات و پوشاک همانند شاه تصویر شود. این وضعیت نه تنها در این نقش برجسته بلکه در مجالس تاج ستانی اردشیر بابکان (۲۲۴-۲۴۲ م) در نقش رجب (شکل ۳) و تنکاب فیروزآباد (شکل ۴) نیز مشاهده می‌شود. در این مجالس شاپور اول فرزند ارشد و جانشین اردشیر بابکان تقریباً با همان پوشاکی که شاه بر تن دارد، نقش شده است.^(۱۰) برخی از محققین همچون "آ. کریستن سن" گمان می‌برند، کودکی که بین شاه و الهه ایستاده "هرمز دوم" (۳۰۲-۳۰۹ م) است.^(۱۱) این فرضیه بنا بر دلایلی که معروض افتاد، صحیح نیست. نگارنده نیز همانند بسیاری از محققین دیگر احتمال می‌دهد که کودک حاضر در صحنه "آذر نرسی" نوه نرسی باشد.

درباره این نقش برجسته تاکنون تعبیر متعددی شده است:

ت.ج. ن. کرزن "گمان می‌برد که در نقش برجسته‌های ساسانی، پیکره زن وجود ندارد. وی اشخاصی را که دارای موهای بافته شده، عضلات زنانه و صورت صاف هستند خواجگان دربار می‌داند!"^(۱۲) و به همین خاطر از تعیین هویت بانوی حاضر در این نقش برجسته خودداری کرده و می‌نویسد:

"از اینرو من راجع به تشخیص هویت این چهره‌ها وقت بیشتری صرف نمی‌کنم"^(۱۳). ر. کریپرتر "آن را صحنه ازدواج بهرام پنجم (۴۲۱-۴۳۸ م) با شاهزاده خانم هندی دانسته"^(۱۴) و "ج. تکسیر" عقیده دارد که آن متعلق به خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸ م) و همسرش شیرین است^(۱۵). "رالیسنسن" و "ا.د. مورتمن" بر این عقیده‌اند که نقش مذکور بهرام سوم (۲۹۳ م) را در حال تاج‌ستانی از مادرش نشان می‌دهد.^(۱۶)

همانطور که قبلاً گفته شد، تاج شاه در این نقش عیناً به شکل تاجی است که بر سبکه‌های نرسی ضرب شده است. از اینرو مردود بودن نظرات مذکور امری است بدیهی و مسلم و نیاز به استدلال دیگری ندارد.

امروز دیگر بحث در شناسایی و تعیین هویت شاه نیست بلکه اختلاف محققین در معرفی بانوی حاضر در صحنه است. اکثر قریب به اتفاق محققین و خاورشناسان عقیده دارند که این بانو "الهه آب" آناهیتاست.^(۱۷) لیکن در مقابل این عده دکتر علیرضا شاپور شهبازی (نویسنده مقاله مورد انتقاد) عقیده دیگری دارد. ایشان معتقدند که این نقش برجسته نرسی را در حال تقسیم مقام سلطنت با ملکه "شاپور دختک دوم" نشان می‌دهد و برای اثبات ادعایشان اظهار می‌دارند که چون دست چپ بانو در داخل آستین مخفی شده، پس او باید مطیع و فرمانبردار شاه باشد نه ایزدی که از حیث مقام و منزلت برتر از شاه است.^(۱۸)

در انتقاد از نظریه ایشان باید گفت اولاً، بلندی آستین مربوط به این نوع دوخت پیراهن است چنانکه قد شلوار نیز بلند بوده و پنجه‌های پا در آن پنهان است.^(۱۹) (شکل ۱). ثانیاً، بانوی مذکور نوک پنجه‌هایش را برای بالا نگهداشتن پارچه شلوار خم کرده و در نتیجه همین عمل، انگشتان دست در زیر آستین اینگونه لباسها پنهان می‌شود. ثالثاً، اگر واقعاً نقش مذکور مبین تقسیم مقام سلطنت بین شاه و ملکه است، چرا در هیچ منبع و مأخذ تاریخی اشاره‌ای به آن نشده است؟ اگر حقیقتاً چنین بود چرا در کتیبه مهم پایکولی که به دستور نرسی و به یادبود پیروزیهایش پدید آمد^(۲۰) در ارتباط با این موضوع سخنی به میان نیامده است؟ البته ایشان در توجیه ادعایشان تاکید می‌نمایند چون شاپور دختک - همسر نرسی، دختر شاپور یکم بود، بنابراین حمایت مردان بزرگ امپراتوری ساسانی که اسامی آنها در کتیبه پایکولی نیز آمده است، بعد از مرگ بهرام دوم از پادشاهی نرسی بخاطر نفوذ همسرش بوده است و در ادامه می‌نویسد: "موقعیت شاپور دختک، تصمیم نرسی را برای گرفتن تاج و تخت بوضوح توجیه می‌کرد، بر این اساس طبیعی به نظر می‌رسد که او در نقش برجسته در حال تقسیم مقام سلطنت بانرسی باشد."^(۲۱) (که این ادعا چندان مقبول به نظر نمی‌رسد)

توضیح اینکه اولاً نرسی از زمان بهرام یکم (۲۷۳-۲۷۶ م) داعیه سلطنت داشت. و او را در کتیبه پایکولی غاصب سلطنت معرفی کرده است، حال چرا و به چه علت به مقصود نرسید، بحثی است که در این مجمل نمی‌گنجد و خود مجال دیگری را می‌طلبد. ثانیاً، موقعیت نرسی نه تنها از همسر و خواهرش یعنی شاپور دختک که بر دیگر فرزندان

ذکور شاپور نیز کاملاً برتری داشته است زیرا وی در زمان حیات پدر عنوان بزرگ آریایی مزداپرست^{۲۱} داشته که او را از دیگر فرزندان شاپور ممتاز می‌کرده است و شاید به سبب همین امتیاز بود که فرمانروایی سرزمینهای وسیع سکستان، تورستان و هند تا کرانه دریا یعنی تمام سرزمینهای متصرفه در شرق کشور بر عهده او بود. بنابراین بعید است مردان بزرگ امپراتوری ساسانی با آگاهی از مقام و موقعیت نرسی، بخاطر شاپور دختک از پادشاهی او حمایت کنند!^{۲۲}

درباره هویت واقعی این بانو، نگارنده با گروه اول (مبنی بر اینکه او آناهیتاست) هم عقیده است و در تبعیت از نظریه آنان - که برابر است با رد نظریه شاپور شهبازی - دلایلی دارد که در زیر به شرح آنها می‌پردازد:

۱- بانوی این نقش، تاج کنگره دار سرگشاده‌ای بر سر دارد که حلقه‌های مجعد موی از فراز آن پدیدار است (شکل ۱). این نوع تاج مخصوص ایزدان است و در تمامی نقش برجسته‌های این دوره (غیر از نقش تاج ستانی پیروز اول در تاق بستان^(۲۲) کرمانشاه که در آن اهورامزدا با لباس غیر رسمی تصویر گردید)، خدای بزرگ اهورامزدا با این تاج ظاهر شده است. بنابراین شکی نیست که او نیز باید از ایزدان باشد.

۲- نرسی خود در کتیبه‌ها می‌گوید: "به نام اهورامزدا و همه ایزدان و الهه آناهیتا بر تخت شاهی ایران شهر نشست."^(۲۳) چطور ممکن است پادشاهی خود را در کتیبه‌ها "بغ مزداپرست" بخواند و ادعا کند که به کمک اهورامزدا و "آناهیتا" به تخت شاهی رسیده است اما در تصویر ویژه تاجگذاری، مظهر قدرت شاهی از سوی همسرش به او واگذار شود!^{۲۴}

۳- در هیچیک از نقش برجسته‌های ساسانی، پادشاه حلقه سلطنتی را مستقیماً از دست یک انسان مادی و فانی نمی‌گیرد. بارزترین مشخصه این حلقه، روبانی است که به آن آویزان می‌باشد. این روبان بعدها در پوشاک شاهان ساسانی نیز مشاهده شده و به عنوان یکی از شاخص‌ترین نشانه‌های شاهی به شمار می‌رفت که به شکل دو نوار بلند و موج، عمدتاً در دنباله تاج شاهان قرار می‌گرفت.^(۲۴) (برای نمونه نگاه کنید به شکل‌های

۳۰، ۲۰، ۱) - نه فقط و نه تنها آناهیتا و ساسانیان بلکه در حلقه پدیدار شده

البته در برخی از نقش برجسته‌ها، اشخاصی هستند که حلقه‌ای را به طرف شاه

گرفته و در حال تقدیم آن به پادشاه هستند.^(۲۵) اما در هیچ یک از این نقوش اولاً، پادشاه ساسانی حلقه را با دست نگرفته است. ثانیاً، حلقه‌های مذکور فاقد روبان سلطنتی هستند. به عبارت دیگر در تمامی آثار هنری برجای مانده از دوره ساسانی اعم از نقش برجسته‌ها، جامها، سکه‌ها، مهرها و... پادشاه ساسانی تنها در یک مورد مستقیماً حلقه سلطنتی را در دست می‌گیرد که شخص مقابل او یعنی کسی که حلقه را به وی می‌دهد، از ایزدان باشد. در غیر این صورت محال است که پادشاه حلقه‌ای را که از سوی یک هم‌نوع به وی داده می‌شود، در دست بگیرد. اگر هم فرضاً چنین موردی مشاهده شود نگارنده قویاً احتمال می‌دهد که آن حلقه فاقد نوارهای موج و بلند است که از وجود آنها به عنوان بارزترین مشخصه حلقه‌های سلطنتی یاد شد.

اهداء حلقه سلطنتی از سوی یک انسان به شاهنشاه ساسانی با عقاید مذهبی ساسانیان منافات دارد.^(۲۶) در اندیشه و باور ایرانیان باستان (البته نه همه ایرانیان که بیشتر، حکمرانان و حکومت مردان ایران باستان) شاه مظهر قدرت و اراده ملت به شمار می‌رفت و در روی زمین پس از خدایان بزرگ، تنها کسی بود که شایسته ستایش بود! او فاعل مایشاء و حاکم مطلق و مالک الرقاب مردم بود.^(۲۷) اینان باور داشتند که مقام شاه عطیه‌ای بود الهی که از جانب خدایان به شاه داده می‌شد. اطاعت از شاه ارزش الهی و آسمانی داشت. خدا سرور دو جهان و شاه نماینده او بر روی زمین بود!^(۲۸) در مورد سعی و تلاشی کاذب شاهان ساسانی در الهی جلوه دادن مقام سلطنت مدارک و شواهد بسیاری است که از جمله آن می‌توان به پاسخ اردشیر بابکان اشاره کرد که در جواب نامه به اردوان پنجم (۲۱۶-۲۲۴ م) و در توجیه اقدامات نظامی خود علیه اشکانیان چنین گفته است: "تاجی که بر سر دارم خداوند به من بخشیده است و نیز اوست که مرا به سرزمین‌هایی که گرفته‌ام، پادشاه کرده است. اوست که مرا در کشتن فرمانروایان و پادشاهان یاری داده است."^(۲۹)

بر این اساس، امکان ندارد حلقه شهریاری که تجسم فره ایزدی و نماد نمایندگی خدا بر روی زمین است، از سوی یک انسان فانی به پادشاه ساسانی تفویض شود.

۴- ما با تصاویر ملکه‌های ساسانی و نحوه آرایش آنها و مخصوصاً تزئینات لباسشان در شش نقش برجسته آشنایی کامل داریم.^(۳۰) در تمامی این نقش برجسته‌ها

بانوان مذکور فاقد تاج کنگره دار هستند. برخی از آنها کلاه بر سر دارند^(۳۱) و برخی دیگر بدون کلاه تصویر شده و موی سرشان در قسمت بالای سر به شکل یک گوی کوچک تزیین شده است.^(۳۲) در تمام این نقوش لباس بانوان (پیراهن و شلوار) فاقد چین‌های انبوه و موجهای بسیار است. این لباس به شکل یک ماده جوشان بر زمین فرور یخته و یاد جنبش موجها و وظیفه ایزد آبها (آناهیتا) را به خاطر می‌آورد.^(۳۳)

همانطور که از متن کتیبه پایکولی بر می‌آید، کرتیر - موبدان موبد -^(۳۴) یکی از بزرگترین دشمنان و مخالفان نرسی در رسیدن به سلطنت بود. گ. لوکونین با در نظر گرفتن این حقیقت اظهار می‌دارد که نرسی با ستاندن حلقه سلطنتی از آناهیتا در نقش برجسته مورد بحث، قصد داشت تا اعلام کند که نفوذ و قدرت غیر قابل تقسیم موبد اهورامزدا^(۳۵) (کرتیر) در همه کارهای دولتی پایان یافته و همه قدرت و شهریاری و کارهای دولتی از این پس در دست خود او تمرکز خواهد یافت.

نتیجه

بنابر مجموع دلایلی که معروض افتاد، نمی‌توان با دکتر علیرضا شاپور شهبازی با همه احترام و سپاسی که شخصیت علمی ایشان سزاوار آن است - هم عقیده بود و پذیرفت که بانوی حاضر در این نقش برجسته "شاپور دختک" است؛ بلکه شکی نیست که او باید الهه آب "آناهیتا" باشد.

E. Herzfeld, "Iranische Felsreliefs", Berlin, 1910, pp. 84-88.

7. "Voyage en Perse de M. Eugène Flaminio Pons", et

8. "Voyage en Perse de M. Eugène Flaminio Pons", et

9. "Voyage en Perse de M. Eugène Flaminio Pons", et

10. "Voyage en Perse de M. Eugène Flaminio Pons", et

11. "Voyage en Perse de M. Eugène Flaminio Pons", et

12. "Voyage en Perse de M. Eugène Flaminio Pons", et

13. "Voyage en Perse de M. Eugène Flaminio Pons", et

منابع و یادداشتها

1- A. Shapur Shahbazi, "Studies in sasanian Prospography: Nars'es Relief at nags-I Rustam", *Archaeologisch Mitteilungen Aus Iran, Deutschen Archaeologischen Institut, Berlin 1983, PP.255 - 268*

۲- در فهرست دودمان ساسانی در کعبه "زرتشت" از ذوبانوی مشهور به این نام یاد شده است. یکی از آنها دختر شاپور، شاه میشان و همسرش دینک بوده که نواده شاپور یکم بود و دیگری گمان می رود دختر شاپور یکم بود که در سال ۲۶۲ میلادی عنوان "شهبانوی سکایان" داشت و به همسری برادر خود نرسی "شاه تورستان، سکستان، هند و کرانه های دریا" درآمد (و.گ. لوکونین، تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایتا... رضا، چاپ سوم؛ تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۴)

3- A. shapur shahbazi, op. cit, PP. 255-257

4- Ibid, PP. 257, 265

5- Ibid, PP. 257, 268

6- Ibid, P. 256

۷- از دوران پادشاهی نرسی تاکنون سکه های متعددی به دست آمده که با توجه به تفاوت های موجود در تاج شاهی به دو نوع I.II طبقه بندی شدند. برای آگاهی بیشتر از انواع سکه های نرسی رجوع کنید به: و.گ. لوکونین؛ پیشین؛ صفحات ۲۹۶-۳۰۱؛ جدول XIX

۸- همان؛ صفحه ۳۲۱

۹- از بهرام دوم تاکنون ده نوع سکه با تاج های متفاوت به دست آمده که در برخی از آنها شاهنشاه ساسانی همراه با همسرش شاپور دختک اول و پسرش بهرام سوم تصویر شده است. برای آگاهی بیشتر از سکه های بهرام دوم نگاه کنید به: همان، صص ۲۸۳-۲۹۶؛ جدول "XVIII".

۱۰- تطبیق جزئیات هنری موجود در نقش برجسته مورد بحث با سایر آثار هنری

به تثبیت رسیده از همان دوره، یکی از بهترین روشهایی است که در مطالعات علمی و تعیین هویت واقعی نقش برجسته‌های مجهول الهویه بسیار مفید و مؤثر واقع می‌گردد. برای آگاهی بیشتر از این روش رجوع کنید به:

- G.Hermann, The Darabgird Relief- Ardashir or shapur?

Iran, Vol.7,(1969): PP.63-81

موسوی حاجی، سید رسول تأملی عمیق در اثبات هویت واقعی و محتوی تاریخی نقش برجسته دارابگرد؛ میراث فرهنگی؛ شماره ۱۶؛ ۱۳۷۵؛ صص ۵۲-۶۴

۱۱- آ. کریستن سن: ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی؛ چاپ پنجم؛

انتشارات امیر کبیر، تهران، سال ۱۳۶۷، ص ۲۵۹

۱۲- کرزن، جرج ن: ایران و قضیه ایران؛ جلد دوم؛ ترجمه غ. وحید مازندرانی؛

چاپ دوم؛ تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، سال ۱۳۶۲، ص ۱۵۶

۱۳- همان؛ ص ۱۵۴

14- S.R.kerporter, "Travels Georgia, Armania and Ancient Babylonia, 2.Vols,(London , 1821-1822),Vol.1, PP.533-534.

15- CH.Texier , Description de L'Armenia , LaPerse, LaMeso Potamię , etc. (Paris, 1842),P.228

16- A.shapu shahbazi, op.cit,P.2

۱۷- برای نمونه بنگرید به:

-F.sarre and E.Hertzfeld, "Iranische Falsreliefs, Berlin, 1910,PP,84-88

E.Flandin and P.cost , "Voyage en Perse de Mm", Eugene Flandin Peinter , et Pascal Cost archi tecte , 2.vols, (Paris 1851 -1854),vol.2,Pl.186

-گیرشمن، ر: هنر ایران در دوران پارت و ساسانی؛ ترجمه بهرام فره‌وشی؛ چاپ دوم، تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی؛ سال ۱۳۷۰؛ ص ۱۷۶

- واندنبرگ، ل: باستان‌شناسی ایران باستان؛ ترجمه عیسی بهنام؛ چاپ دوم؛ تهران، انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۴۸، ص ۲۶

- سامی، علی: تمدن ساسانی؛ جلد دوم؛ چاپ اول؛ شیراز، (بی نا)؛ چاپخانه موسوی؛ سال ۱۳۴۴، ص ۱۴۰
- مصطفوی، سید محمد تقی: «نقوش ساسانی در فارس»؛ انجمن فرهنگ ایران باستان؛ شماره ۳، دوره اول؛ ۱۳۴۳ ص ۳۰
- و.گ. لوکونین، پیشین، ص ۳۲۱

18- A.shapur shahbazi, op.cit,P.263

۱۹- نگارنده منکر آن نیست که قرار گرفتن پنجه‌های دست در زیر آستین پیراهن یکی از نشانه‌های احترام به مافوق (شاه یا ایزد) در دوره ساسانی است. بلکه با توجه به دلایلی که در ادامه خواهد آمد، نمی‌تواند از حالت موجود در این نقش برجسته تعبیری نماید که مد نظر آقای علیرضا شاپور شهبازی است.

۲۰- پایکولی، نام محلی است واقع در استان کردستان عراق. در این محل کتیبه مهمی از نرسی بر بدنه برج سنگی نقر شده است. برای آگاهی بیشتر از این کتیبه و مضامین آن بنگرید به:

-E. Hertzfeld, "Paikuli", The monument and Inscriptions on the Early History of sasanian EmPaire ,2.Vols,Berlin,1924

21. A.shapur shahbazi , op.cit,P.268

۲۲- بر خلاف عقیده بسیاری از محققین و باستان شناسان که می‌پندارند، شاه در مجموع نقش برجسته‌های تاق بزرگ بستان، خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸ م) است؛ نگارنده معتقد است که آن متعلق و مربوط به پیروز اول (۴۵۹-۴۸۴ م) است. برای کسب اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

- موسوی، سید رسول: تاملی در نقش برجسته‌های تاق بزرگ بستان؛ ارائه شده در نخستین همایش شناخت پیشینه، توانمندی و قابلیت‌های فرهنگی استان کرمانشاه؛ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمانشاه؛ ۱۵-۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۶.

۲۳- لوکونین، و.گ. پیشین؛ ص ۱۹۴

۲۴- سرفراز، علی اکبر: والدین است یا فیلیپ عرب؛ ویژه نامه کنگره باستان‌شناسی

بیشاپور؛ تهران دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران؛ سال ۱۳۷۲؛ ص ۴۱
 ۲۵- برای نمونه نگاه کنید به نقش برجسته شاپور اول در تنگ قندیل و تنگ چوگان
 بیشاپور: موسوی حاجی، سید رسول: پژوهشی در نقش برجسته‌های ساسانی؛
 پایان نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی؛ تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
 دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۷۴؛ ص ۳۴۶، شکل‌های ۲۹ و ۳۲

۲۶- دادن نماد انسانی به خدایان در نقش برجسته‌های ساسانی چیزی نیست جز
 یک تخیل محض. اما این تخیل محض تصویری است از یک حقیقت مذهبی که
 جایگاه آن را باید در ذهن، اندیشه و باور مردمان آن دوره جستجو کرد.

۲۷- مشکور، محمد جواد: مقام شاه در ایران باستان، بررسی‌های تاریخی؛ شماره ۲.۱
 سال اول؛ ۱۳۴۵؛ ص ۱

28- Said Amir Arjomand, the shadow of God on Earth and Hidden Imam,
 Chicago: The university of chicgo press, 1991

۲۹- موسوی حاجی، سید رسول: تلاش کاذب شاهان باستان در قداست بخشیدن
 به مقام شاهی، شهروند کرمانشاه؛ سال اول؛ شماره‌های ۴۱ و ۴۰؛ صفحه ۷

۳۰- این نقوش عبارتند از: نقش برجسته اردشیر اول در نقش رجب؛ نقوش
 برجسته شاپور اول در تنگ قندیل و نقش رجب؛ نقوش برجسته بهرام دوم در برم
 دلک، نقش رستم و سر مشهد فارس. برای رؤیت تصاویر این نقوش نگاه کنید به:
 - موسوی حاجی، سید رسول: پژوهشی در نقش برجسته‌های ساسانی؛ پیشین؛
 شکل‌های ۳۲، ۳۶، ۴۱؛ طرح‌های ۱ و ۵ و ۱۳

۳۱- برای نمونه نگاه کنید به نقش برجسته بهرام در سر مشهد فارس

۳۲- برای نمونه نگاه کنید به نقش برجسته شاپور اول در تنگ قندیل فارس. این
 نقش برجسته برای اولین توسط علی اکبر سرفراز کشف و گزارش آن نیز طی دو
 مقاله مبسوط در مجلات زیر به چاپ رسیده است:

- سرفراز، علی اکبر: کشف یکی از مهمترین نقش برجسته‌های جالب توجه دوره
 ساسانی، بررسی‌های تاریخی؛ شماره ۱؛ سال ۶؛ ۱۳۵۰، صص ۶۷-۸۶

– Ali Akbar saffaraz, "Discovery of a sasaniaan Bas - Relief", Etudes Historiques' DEL' Iran, No.2, 1973, PP.5 - 17

۳۳- ر. گیرشمن. پیشین؛ ص ۱۷۶

۳۴- کرتیر: یکی از نامدارترین شخصیت‌های تاریخ ساسانی است. کار خود را در دوران سلطنت اردشیر اول آغاز کرد و در سراسر دوران پادشاهی شاپور اول به ترویج دین ناب زرتشتی در برابر بدعت مانی ادامه داد. در زمان سلطنت بهرام‌نیز فرصت به دست وی افتاد و مانی پیامبر را به سرعت به زندان انداخته و به قتل رسانید (هرمان، جورجینا: تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان؛ ترجمه مهرداد وحدتی؛ چاپ نوگ؛ تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی؛ سال ۱۳۷۳، ص ۱۰۹

۳۵- و. گ. لوکونین، پیشین؛ ص ۱۷۷

منابع تصویر:

Fig. 1- E.Flandin and P.cost, op.cit.PI.186

Fig. 2- Ibid , PI.188

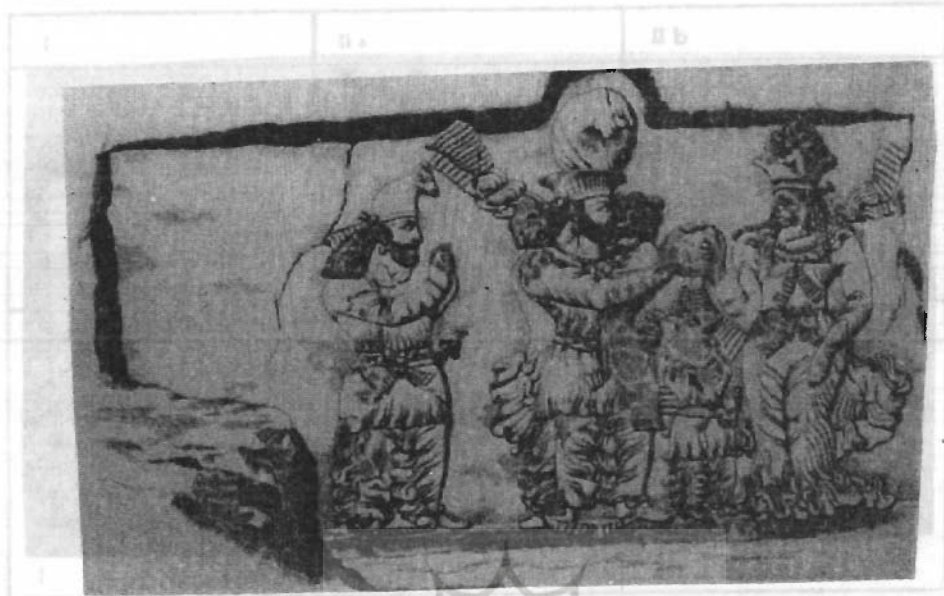
Fig. 3- Ibid , PI.192

Fig. 4- Ibid , PI.44

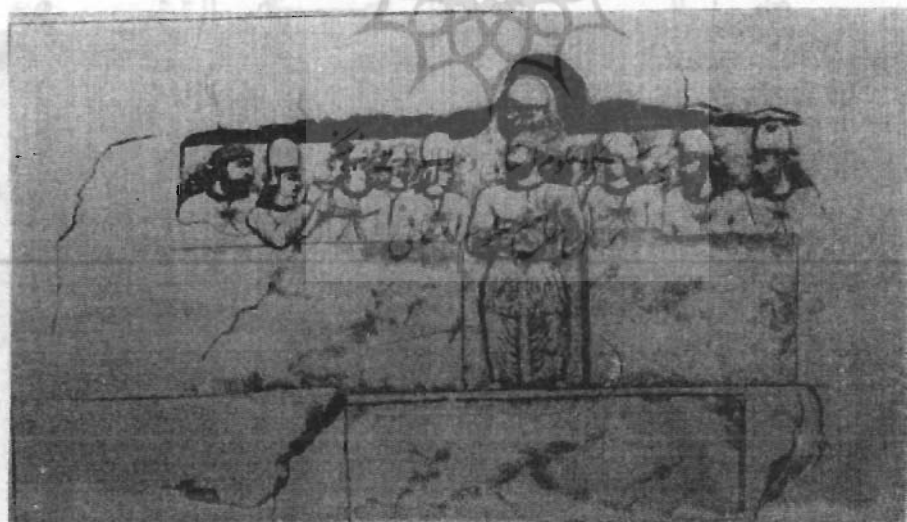
جدول ۱- و. گ. لوکونین: پیشین؛ جدول شماره XIX

جدول ۲- همان؛ جدول شماره XVIII

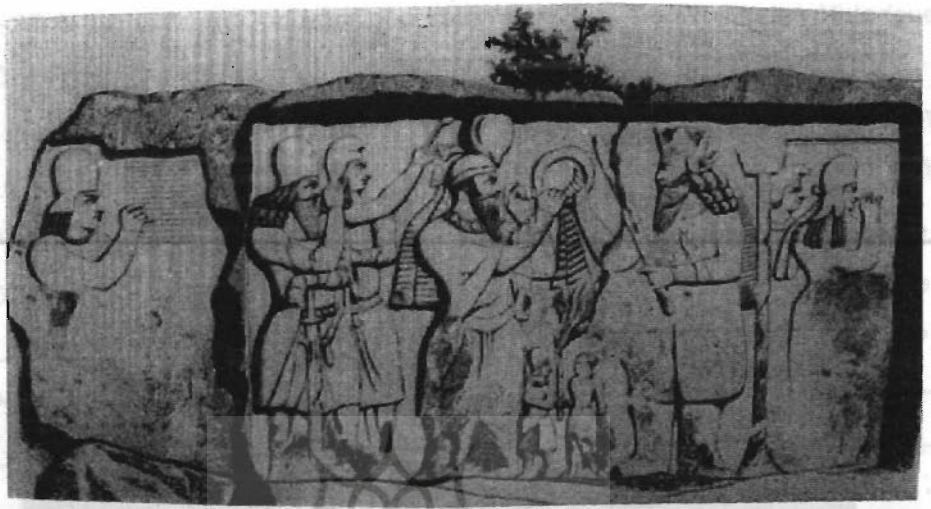
همکاری سرکار خانم خسرو جردی در نوشتن این مقاله مزید امتنان و در خور همه گونه سپاسگزاری است. بدینوسیله مراتب تقدیر و تشکر خویش را از حضرت ایشان اعلام می‌دارد.



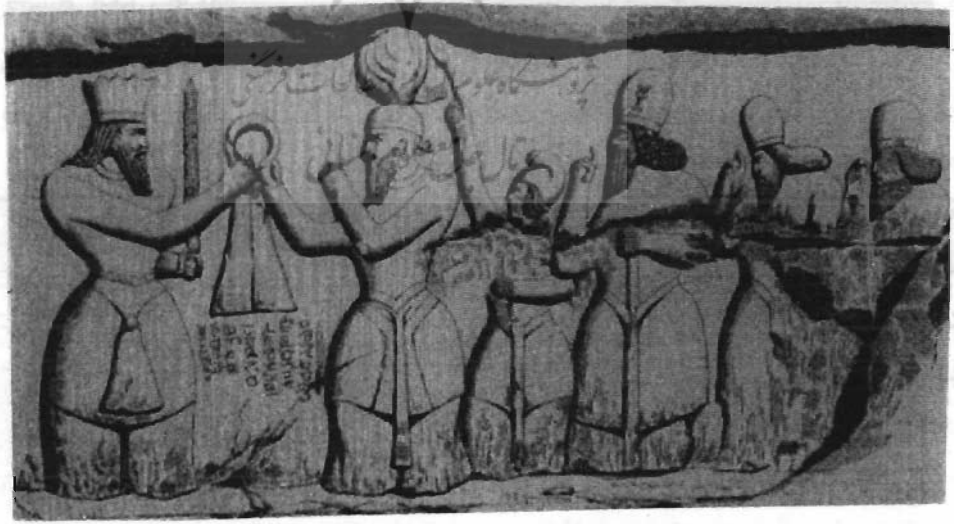
شکل ۱- نقش رستم فارس: مجلس تاج ستانی نرسی از الهه آب آناهیتا









شکل ۲- نقش رستم فارس: بهرام دوم و درباریان




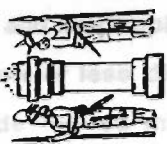



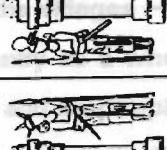
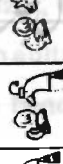

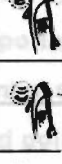
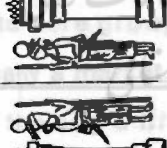



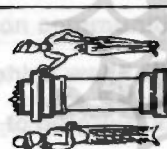
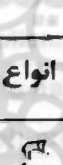
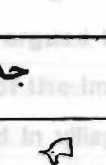

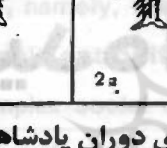

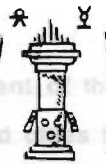

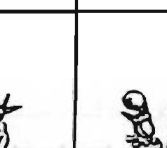



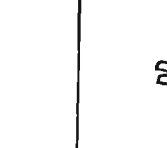

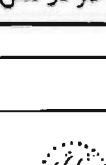
شکل ۳- نقش رجب فارس: مجلس تاج ستانی اردشیر بابکان از خدای بزرگ اهورامزدا



شکل ۴- تنگاب فیروزآباد: مجلس تاج ستانی اردشیر بابکان از خدای بزرگ اهورامزدا

	I	II a	II b
زوبه سکه			
پشت سکه	 I	 2a	 2b

جدول شماره ۱: انواع سکه‌های دوران پادشاهی نرسی

I a		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲		III b		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲	
I b		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲		III c		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲	
I c		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲		IV a		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲	
II a		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲		IV b		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲	
II b		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲		IV c		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲	
II c		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲		IV d		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲	
III a		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲		V a		نوشته 𐭮𐭲𐭮𐭲	

جدول شماره ۲: انواع سکه‌های بهرام دوم